

در حاشیه رویدادها

شکنجه و شکنجه گریه روایت جمهوری اسلامی

از زندانها خندیدند، به روایت هیئت بررسی شایعه‌ی شکنجه‌نیز خواهند خندید. هیئتی که نماینده‌ی امام در آن هفت تیر، بندی چون محمد منتظری باشد که بگفتنی پدرش نیز دیوانه است و یکی از اعضای آن، سابقه‌ی فعالیت در ساواک داشته باشد قادر نیست تصویری واقع‌بینانه‌تر از وضع حاکم بر زندانهای ایران بدست دهد. این هیئت که خود تحت فشار شدید افکار عمومی و مبارزه‌ای که بر سر افشا- شکنجه در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی در گرفته بود تشکیل شد، نمیتوانست به نتایجی بهتر از آنچه که تحت عنوان گزارش به محضر "امام امت" تقدیم نموده است، برسد. چه در این صورت، مجبور بود به نفسی وجودی آن چیزی بپردازد که خود ناشی از آنست: اسلام عزیز، اسلامی که در آن کشتن بنی قریظه جز افتخارات محسوب شود، و حد شرعی و تعزیر جز اصول اساسی قوانین کفیری آن محسوب گردد، و شکنجه‌ی روحی و جسمانی آن - بصورت قوانین الهی - بر محیط خارج از زندان اعمال میگردد، نمیتواند در درون زندان - آنجا که ارتجاع خود را قدرتمند مینماید به شکنجه‌ی فیزیکی متوسل شود. انکار وجود شکنجه در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی، توسط هیئت بررسی شکنجه، به همان اندازه کذابانه است، که انکار وجود انواع دیگر شکنجه‌ی روحی و جسمانی در خارج از محیط زندان - با این حال این گزارش در درون خود تناقضات و ابهاماتی دارد که بررسی آن در خور توجه است.

"هیئت"، مسئله‌ی شکنجه در زندانها را برسمیت می‌شناسد، اما آزار جزئی زبرنامه خود گروها میداند، و برای اثبات اینکه نیروهای سیاسی به مردم یا اعضا و هواداران خود شکنجه داده و با سوانح دیگر را بعنوان شکنجه قلمداد میکنند، مینویسد:

"افراد بیگناهی را ربوده و در خانه‌های امنی که دارند مورد شکنجه و آزار قرار دادند. اینان با ربوده شدگان بنحوی رفتار میکردند که آنان تصور کنند که عاملین پاسدار و ما، موریسن کمیته هستیم".

بقیه در صفحه ۱۹

چند سال پیش، به آذین، در داستانی بنام مهمان این آقایان، تصویری را از زندانهای آریامهری ارائه داد، که در آن بجز چند چهره‌ی خشن و نغمه‌ی "که هر چند وقت به آزار و اذیت زندانیان ناراحت" می پرداختند، همه چیز بر وفق مراد بود. ورزشهای دسته جمعی، بحث‌های آزاد، مطالعات عمیق و همه جانبه و حتی مهمانی با سور و سات فراوان از جمله وقایع اتفاقیه‌ی زندانها بودند که در "مهمان این آقایان" بتفصیل از آن سخن رفته بود. تصویر - به آذین، از زندان آنچنان عالی بود که هر خواننده‌ی نا آشنا با مسائل سیاسی را ترغیب به زندان رفتن و شرکت در این مهمانی میکرد.

اما قیام بهمن ماه، و آزادی زندانیان سیاسی و سپس کشف شکنجه گاه‌های مخوف ساواک، بکلی عیب تصور کردند که با آزادی زندانیان سیاسی، نابودی سیستم سلطنتی و در پی آن دستگیری و سپس اعزام معدودی از شکنجه گران، دیگر زندان و شکنجه و آزارهای روایت‌های "به آذین" از زندان و شکنجه بکلی از صحنه‌ی سیاسی کشور زوده خواهد شد. و جای زندان رادانها و مدارس خواهد گرفت و روایت به آذین نیز بعنوان بندی از جعل و تزویر برای نگهداری به موزه خواهد سپرده خواهد شد. اما نه تنها چنین نشد، و دانشگاهها و مدارس تعطیل گردید و پروژه‌های نیمه تمام زندانهای شاه دوباره، آغازیدن گرفت بلکه روایت‌های به آذینی از زندان و شکنجه نیز دوباره جان گرفت. اینبار از زندانبانان و شکنجه گران و دزخیمان رژیم جمهوری اسلامی راویان داستان شکنجه و هیئت بررسی شایعه‌ی شکنجه در زندان بودند.



سندی که اخیراً از جانب هیئت بررسی شایعه‌ی شکنجه بصورت نامدای به امام منتشر گردیده است، حکایت از مهمانی دارد که بار دیگر در زندانهای ایران رایج است. در این گزارش بجز چند ما-مصور متخلف که گهگاهی به آزار و اذیت زندانیان پرداخته اند - آنهم زندانیانی که اساساً خودشان کمی ناراحت هستند - و به این جرم هم اکنون در زندان هستند، چنان مناسباتی در زندانها حاکم است که بی شباهت به "بهشت موعود" نیست. زندانبانان چنان "لطیف و صمیمیتی" دارند که گوئی وظیفه اشان صرفاً پرداختن به امور دشواری زندانها است. زندانیان بحدی از با-موران خود راضی هستند که بجز گروه خاصی از آنان، همگی هر شب مشغول دعا و ثنا بجمه‌وری جوان اسلامی میباشند که آنان را به زندان انداخته‌اند و هه در آن مشغول بکار هستند و در مقابل آن مزد نیکو در یافت میکنند، چنان بر شکر و ابهت است که به زندانی اجازه میدهد حتی خانواده‌ی خود را نیز بدانجا دعوت کند. زندانی با حرفه‌های مختلف در زندان آشنا میگردد، و پس از آزادی میتواند بعنوان یک انسان همه فن حریف در جامعه‌ی اسلامی به فعالیت بپردازد هه اما همانگونه که مردم به روایت به آذین

هفته نامه
رهائی
 نشریه
 سازمان وحدت کمونیستی

"اینان بر روی بدن افرادی از هواداران خود با سی حس کردن عضو و یا به نحو دیگر آثاری با آتش سیگار ایجاد کردند تا بخیال خود وجود شکنجه را با ثبات برسانند. کار اینان بقدری ناشیانه صورت گرفتند است که هر انسان منصفی با انسداد توجه و تحقیقی مینواند به نیت سوآنان و حیل و تقلباتان پی ببرد. چه کسی میتواند باور کند که عاملین شکنجه نام رهبران خود را بعنوان مدرک جرم بر روی بدن کسی یا آتش سیگار حک کنند و بهانه بدست دشمن بدهند."

"افراد بیگناه" توسط مبارزین سیاسی ربوده میشوند به خانه های امن انتقال داده شده و آنجا شکنجه میشوند..... اینک خانه های امن متعلق به گروه های سیاسی است با آنان افراد بیگناه را میریابند مضحک تر از آنست که احتیاج به پاسخگوئی و یا افشاکری داشته باشد. اما اینکه مبارزین سیاسی و یا بزعم رژیم ضد انقلابیون، بگونه ای رفتار میکنند که ربهوده شدگان "تمور کنند که عاملین پاسدار و یا ما، مورین کمیته هستند"، در خود اعترافی صریح دارد. برداشت عمومی

مردم "بیگناه" از "پاسداران و ما، مورین کمیته" چیزی در حد "شکنجه گر" است. آنچه که گزارش از آن بعنوان نداعی معانی شکنجه توسط ما، مورین کمیته و پاسداران در ذهن مردم "بیگناه" نام میرسد نشان از آن دارد که تا چنین باوری در افکار مردم وجود نداشته باشد که شکنجه و زندان جز، لاینفکی از نظام حاکم است، در نزد این مردم امکان یکسان انگاشتن "شکنجه گر" و ما، مورین انتظامی رژیم، وجود ندارد.

اما مضحک تر از این ادعای رژیم، گفتن آنان مبنی بر شکنجه بر روی بدن اعضا و هواداران سازمانهای انقلابی و حتی حک نام رهبران رژیم جمهوری اسلامی بر روی بدن آنان است. هیئت بررسی شکنجه برای دفاع از عدم وجود این چنین شکنجه های میگوید که: "انسان (سازمانهای انقلابی) بر بدن افراد و هواداران خود با سی حس کردن عضو و یا بنحو دیگر آثاری با آتش سیگار ایجاد کردند". اینک متخصصین رژیم مکنسی چگونه به این نتیجه رسیده اند که بدن این افراد ابتدا، سی حس شده است و بعد سوزانده شده است، خود جای تعمق فراوان دارد.

بنظر میرسد که آنچه، هیئت بررسی شایعه شکنجه را به سر هم کردن دروغی به این بزرگی رهنمون ساخته است، وجود ادله کافی برای اثبات این جرم و همچنین حکم رهبر بیرامون این مسئله در چندی است.

آنچه مسلم است اینست که رژیم جمهوری اسلامی به زندان و شکنجه روی آورده است و آنرا در شدیدترین شکل خود در تمامی ابعاد جامعه بکار میبرد، زیرا او حافظ و پاسدار منافعی است که در راه آن جز توسل به سرکوب مغری نمیبیند. رژیم با روینای فکری اسلامی است که طبعاً متکر هر نوع آزادی و آزاد اندیشی است، نمیتواند جز این عمل کند، زندان و شکنجه، اساس جامعهی سرمایه داری است، و تنها با سرنگونی این نظام است که شکنجه و زندان برای همیشه از قاموس سیاسی بصریت حذف خواهد شد.